


## Etebari Perceptions: Assessing the Definitions and Offering Alternative Definitions

**Hossein Kalbasi Ashtari**  \* Professor of Philosophy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Mehdi Koushki**  Ph.D. Candidate of Philosophy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

### Abstract


Allameh Tabataba'i has used various interpretations to define credit perceptions, but none of them are suitable. This article, after examining the proposed definitions and measuring them, based on the characteristics of a desirable definition, attempts to provide an alternative definition. A definition that is in maximum agreement with his views without objection and ambiguity. The definition of Etebari perceptions consists of two central elements: the general element and a divider. The general element is mental imagination. After numerous reviews of the various divisors used in the definition of credit perceptions, "Being made by mental acts" was selected as the best of the four obtained options. So, the summary of the alternative definition is: Etebari concepts are concepts whose essence is determined by mental actions. These voluntary actions create imagination by using feelings. The sum of these concepts and their relations create the Nafs-al-Amr to which the Etebari propositions correspond to it


**Keywords:** Definition of Etebari Perceptions, Etebariat Theory, Allameh Tabataba'i, Concepts of Practical Reason, Normative Propositions.

\* Corresponding Author: hkashtari@gmail.com

**How to Cite:** Kalbasi Ashtari, H., Koushki, M. (2022). Etebari Perceptions: Assessing the Definitions and Offering Alternative Definitions, *Hekmat va Falsafeh*, 18(69), 139-168. doi: 10.22054/WPH.2022.63401.2016

## ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه‌شده و عرضه تعریف بدیل

حسین کلباسی اشتیری \*  استاد فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مهدی کوشکی  دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

### چکیده

علامه طباطبائی از تعابیر گوناگونی برای تعریف ادراکات اعتباری بهره برده‌اند؛ اما هیچ‌یک از آن‌ها تمامی شاخص‌های یک تعریف مطلوب، مانند جامع بودن، مانع بودن، روشن‌تر و شناخته‌شده‌تر بودن معرف نسبت به معرف و غیره را دارا نیستند. لذا این نوشتار درصدد است تعریفی از ادراکات اعتباری ارائه کند که حتی‌الامکان ضمن رعایت الزامات فوق و انطباق حداکثری با این نظریه اعتباریات، چستی و حدود این ادراکات را به‌مثابه آینه‌ای تمام‌نمای منعکس نماید تا زمینه فهم دقیق و بهره‌گیری از این نظریه هرچه بیشتر فراهم گردد. ابتدا در تعریف پیشنهادی تفکیک مفاهیم و گزاره‌ها صورت پذیرفت. تعریف مفاهیم اعتباری از دو عنصر محوری تشکیل شده است: اولی امر عامی است که مقسم واقع می‌شود و همان «تصورات ذهنی» است. دیگری فصلی است که مفاهیم اعتباری را از حقیقی (شامل مفاهیم ماهوی و معقولات ثانی) متمایز می‌کند. فصل مذکور با بررسی تفصیلی، از میان چهار وصف پرکاربرد و محوری مفاهیم اعتباری شامل «تعلق به حوزه عمل»، «عدم تحقق مستقل از ذهن»، «حاصل اعطای حدود اشیاء بودن» و «ساخته افعال ذهنی بودن» انتخاب شد. درنهایت بر رابطه اراده انسان و دواعی باطنی او با ادراکات اعتباری برای جلوگیری از برخی سوءبرداشت‌ها و فهم بهتر آن نظریه تأکید شده است. خلاصه تعریف حاصل: مفاهیم اعتباری، مفاهیمی هستند که افعال ذهنی، چستی (ماهیت) آن‌ها را رقم می‌زنند. این افعال ارادی با بهره‌گیری از احساسات و دواعی باطنی در تصورات تصرف کرده و آن‌ها را پدید می‌آورند. مجموع این مفاهیم و روابط آن‌ها، نفس‌الامری را تشکیل می‌دهند که گزاره‌های اعتباری از آن حکایت می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** تعریف ادراکات اعتباری، نظریه اعتباریات، علامه طباطبائی، نفس‌الامر، مفاهیم عقل عملی، گزاره‌های ارزشی، افعال ذهنی.

این مقاله مستخرج از رساله آقای مهدی کوشکی با عنوان «جایگاه ادراکات اعتباری در ساختار معرفتی علوم انسانی اسلامی» است.

\* نویسنده مسئول: hkashtari@gmail.com

## ۱- ضرورت و طرح مسئله

نخستین بار علامه طباطبائی با طرح نظریه «اعتباریات»، به‌طور مجزا و نظام‌مند از «ادراکات اعتباری» یا به تعبیر خود ایشان «افکاری که ساخته خود انسان است» (طباطبائی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۲) بحث می‌کنند. اساساً این نظریه نظریه‌ای معرفت‌شناسانه است، اما به لحاظ اینکه ادراکات اعتباری مبدأ افعال و کنش‌های انسانی قرار می‌گیرند، در تبیین مسائل انسان‌شناسانه و پدیده‌های اجتماعی قابل‌استفاده هستند. با طرح گفتمان «علوم انسانی اسلامی» و فقدان منابع فلسفی بالفعل برای تغذیه این علوم، توجه به این نظریه در مطالعات علوم رفتاری و اجتماعی و نیز فلسفه‌های مضاف، افزایش پیدا کرده است؛ اما برداشت‌ها و نقدهای نادرست نسبت به این نظریه، در نتیجه عدم تنقیح لازم از سویی و اجمال بیان علامه از سویی دیگر، مانع ورود مؤثر این نظریه در حوزه‌های فوق‌الذکر شده است. با وجود برخی مناقشات پیرامون این نظریه، ایده اصلی آن به جد قابل دفاع است؛ به‌روشنی می‌توان دریافت مفاهیم و گزاره‌هایی توسط آدمی بر ساخته می‌شوند که ویژگی‌هایی متمایز از ادراکات حقیقی دارند و درعین‌حال در دستگاه ادراکی و عملی او نقشی کلیدی ایفا می‌کنند.

بدین ترتیب، با توجه به جایگاه و قابلیت‌های این نظریه، تنقیح و بسط آن ضروری است. گام نخست برای این کار، داشتن تعریفی مناسب از ادراکات اعتباری است. علامه طباطبائی در آثار خود به اشکال گوناگون و با تعابیری متنوع ادراکات اعتباری را تعریف کرده‌اند که هیچ‌یک ویژگی‌های یک تعریف جامع و مطلوب را ندارند. واضح است که ایشان درصدد نبوده‌اند که تعریفی از همه لحاظ جامع ارائه کنند که عصاره نظریه ایشان باشد، بلکه به دنبال فتح باب و زمینه‌سازی برای آغاز بحث بوده‌اند؛ اما ورود به جزئیات یک نظریه با این ابعاد و وسعت، در نبود یک تعریف مناسب که حدود و چیستی موضوع آن را از ابتدا به‌درستی مشخص کند، فهم مخاطب از نظریه را دچار مشکل می‌نماید. لذا مسئله اصلی این مقاله ارائه تعریفی بدیل و نسبتاً جامع از ادراکات اعتباری، با استفاده از نظریه اعتباریات است تا چیستی و ذاتیات موضوع مورد بحث در این نظریه را به‌خوبی تبیین

کرده و ایرادات و ابهامات موجود در تعاریف علامه را نداشته باشد. در واقع با توجه به کارکردهایی که از یک تعریف مناسب انتظار می‌رود، تعریف پیشنهادی در این مقاله عصاره تمام‌نمای ادراکات اعتباری، برای کمک به درک صحیح مخاطب از این نظریه خواهد بود. به نظر می‌رسد این پژوهش در نوع خود اولین باشد؛ زیرا تاکنون پژوهشی شایسته در مورد تعریف ادراکات اعتباری صورت نگرفته است و هر یک از پژوهشگران یکی از تعاریف موجود یا برداشتی از آن را مبنا قرار داده و مبحث خود را پیش برده‌اند. (به‌عنوان مثال مصلح در خوانش خود از نظریه اعتباریات، قلمرو اعتباریات را معادل قلمرو فرهنگ در نظر گرفته است) (مصلح، ۱۳۹۲).

در این مجال پس از مروری مختصر بر پیشینه و مبانی نظریه اعتباریات، هشت تعریف برگزیده از ادراکات اعتباری، فهرست شده است. در این تعاریف علامه درصدد است با بیان وجوه ممیز اعتباریات، ادراکات ذهنی را به دو دسته حقیقی و اعتباری تقسیم کند. از میان نقاط اشتراک و افتراق این تعاریف، چهار تعبیر محوری که به‌عنوان وجوه ممیز ادراکات اعتباری به کار برده شده‌اند، احصاء شده است. با استفاده از این تعبیر و بررسی و نقد آن‌ها تلاش خواهد شد تا تعریفی مناسب از اعتباریات که حداکثر قرابت را با دیدگاه علامه داشته باشد، حاصل شود. لازم به تذکر است که این نوشتار مدعی نیست تمامی لوازم بحث از اعتباریات علامه را احصاء کرده و تحلیل‌ها و انتقادات را مورد بررسی قرار داده است؛ بلکه تنها اهم تعاریف مورد بررسی قرار گرفته و کوشش شده تعریفی بدیل برای آن عرضه شود.

تعریف بیانی است که هدف آن شناساندن معنایی محصل از موضوع یا مفهوم به مخاطب است. ویژگی‌های اصلی تعریف، جامعیت تعریف نسبت به مصادیق، مانع غیر بودن، دور نداشتن و روشن‌تر و شناخته‌شده‌تر بودن معرف نسبت به معرف است. (عباسی، ۱۳۸۲: ۵۰۴) در نقد و بررسی تعاریف مذکور نیز همین موارد مدنظر خواهد بود، اما علاوه بر این‌ها، از آنجا که این تعاریف ذیل چهارچوب فکری اندیشمندی خاص - علامه طباطبائی - مطرح شده و نیز نظریه‌ای فلسفی بر مبنای آن شرح و بسط یافته است، لازم است

ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه‌شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۴۳

هم‌خوانی آن‌ها با سایر نظرات فلسفی ایشان (به‌خصوص در مورد ادراکات حقیقی به‌عنوان نقطه مقابل اعتباریات) مورد توجه قرار گیرد و برای رفع تعارضات و ابهامات، حتی‌الامکان از اصل نظریه علامه و سایر دیدگاه‌های ایشان عدول نشود. نهایتاً تعریفی نسبت به سایر تعاریف برتری دارد که ضمن تقویت نظریه اعتباریات و فراهم آوردن زمینه بسط و به‌کارگیری آن، توانایی بیشتری در پاسخ‌گویی به انتقادات داشته باشد.

## ۲- پیشینه و بنیادهای نظریه اعتباریات

علامه طباطبائی به‌عنوان مبدع نظریه اعتباریات، در مقدمه رساله‌ی *الإعتباریات* بیان می‌کنند که نظیر نظریه‌ای که ایشان در باب اعتباریات دارند، کلامی از گذشتگان به ایشان نرسیده است. (طباطبائی، بی‌تا-د: ۳۴۰) همچنین شهید مطهری نیز در مقدمه کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* به بی‌سابقه بودن این نظریه اشاره می‌کند. (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۵) اما بی‌شک علامه در ابداع این نظریه تحت تأثیر استاد خود یعنی شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) است. مرحوم کمپانی در کتاب *نهایه الدرایه فی شرح الکفایه*، ذیل بحث «ظن و حقیقت احکام عقلی»، «حسن و قبح» را به آرای محمودیه یا همان قضایای مشهوره بازمی‌گرداند. ایشان با اشاره به آرای ابن‌سینا و خواجه نصیر در زمینه قضایای مشهوره، نظر آخوند خراسانی را در قریب به عقلانی بودن حسن و قبح، نقد می‌کند. (الغروی الاصفهانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۳۱۱-۳۱۶)

پس خلط میان مسائل حقیقی و اعتباری در اصول فقه را می‌توان منشأ نخستین بارقه‌های نظریه اعتباریات نزد علامه طباطبائی دانست و هدف ایشان از طرح این نظریه ایجاد تمایز میان ادراکات حقیقی و اعتباری است. از این منظر، در نگاه علامه اعتباریات ادراکاتی‌اند که ویژگی‌ها و قواعد متفاوتی بر آن‌ها حاکم است، از جمله اینکه نحوه پیدایش، کارکرد، استدلال و ارزیابی آن‌ها به کلی متفاوت از حقایق است. اعتباریات حاصل فعل و تصرف قوای آن در ادراکات هستند برخلاف حقایق که از خارج به ذهن می‌آیند. (طباطبائی، بی‌تا-د: ۳۴۶-۳۴۷) به لحاظ کارکرد، اعتباریات حاکی از امور خارجی، حکایتگری‌شان برحسب وضع و اعتبار است. (طباطبائی، ۱۳۷۱: ج ۸، ۵۳)

غیرازاین، ادراکات اعتباری مبدأ افعال انسان هستند (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۷۸) و پدیده‌هایی اعتباری بسیاری مانند زبان، پول، خانواده و غیره را به وجود می‌آورند. (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۲۲۰-۲۲۲) اعتباریات تعریف حقیقی ندارند و استدلال‌های جدلی به‌جای برهان در آن‌ها معتبر است. (طباطبائی، بی‌تا-ه: ۲۵۹) ارزیابی این ادراکات بر اساس لغو یا مفید بودن است. (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۶۸) پس خلط این دو گونه از ادراکات، همان‌گونه که در فقه و اصول اشکال ایجاد می‌کند در علوم و فلسفه هم منجر به ایجاد مسائل و نتایج غلط می‌گردد، بنابراین تفکیک این دو قسم از ادراکات بسیار اهمیت دارد. (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۳۹)

مرحوم علامه طیف وسیعی از مفاهیم و گزاره‌ها را به‌عنوان نمونه و مصداق ادراکات اعتباری ذکر می‌کند. مفاهیمی مانند باید، خوب و بد، حلال و حرام و مباح، رئیس و ریاست، ملک و مالک، ازدواج، خانواده، تربیت، پول و واحدهای پولی و اوراق بهادار، خوردن و خوردنی و خورنده، آسان و آسان‌تر، عدل، ظلم، آزادی، اقسام مبادله‌ها و ارتباط‌ها، حقوق متعادل اجتماعی، امر و نهی، کیفر و پاداش، مدح و ذم، زوجیت و دوستی و همسایگی و پدری و فرزندی و خویشاوندی، اقسام دلالت الفاظ و... همچنین گزاره‌های انشائی مانند «این سیب را باید خورد» و «این جامه از آن‌من است» را مثال می‌زند. (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۸۵-۲۳۱) و البته گزاره‌های اعتباری محدود به گزاره‌های انشائی نیستند، هر گزاره‌ای که مفاهیم اعتباری در آن به‌کاررفته (طباطبائی، بی‌تا-د: ۳۰۹) و حاکی از نفس‌الامر اعتباری است، از نظر علامه گزاره اعتباری است. مثال‌های مرحوم علامه، بیانگر این مسئله است که ذهن ایشان در هنگام شرح و بسط نظریه اعتباریات عمدتاً معطوف به مباحث اصولی بوده است، ولی باید توجه داشت که این امر به‌هیچ‌وجه نافی جامعیت این نظریه و شمول و گسترش آن بر تمامی حوزه‌های علمی و عملی حیات بشری نخواهد بود و چنان‌که خواهد آمد طیف وسیعی از گزاره‌ها و مفاهیم علوم - و مشخصاً علوم موسوم به انسانی و اجتماعی - را می‌توان از سنخ اعتباری دانست.

ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه‌شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۴۵

### ۳- تعاریف علامه طباطبائی از ادراکات اعتباری

حال برخی تعاریف شاخص‌تر ادراکات اعتباری که توسط علامه طباطبائی ارائه شده است، در ادامه مرور می‌شود.

۳-۱: به نظر می‌رسد اولین اثر علامه که در آن نظریه اعتباریات مطرح شده، رساله *الاعتبارات* باشد که در نجف در سال ۱۳۴۸ قمری نگاشته شده است. در این رساله علامه پس از تبیین ضرورت وجود ادراکات اعتباری برای انجام افعال انسان، ادراکات اعتباری را این‌گونه معرفی می‌کند:

فتبین من جمیع ذلك أن الاعتبار: هو إعطاء حد الشيء أو حكمه لشيء آخر بتصرف الوهم و فعله... (طباطبائی، بی‌تا-د: ۳۴۶-۳۴۷)

بر این اساس ادراکات اعتباری حاصل فعل و تصرفات او در ادراکات هستند. در اینجا اعتبار کردن به عنوان یک فعل ذهنی توصیف شده است که در آن حد یا حکم چیزی به چیز دیگری داده می‌شود.

۳-۲: در رساله *الانسان فی الدنيا* (نگاشته شده به سال ۱۳۶۱ ق.) آمده که صور ذهنی به دو دسته کلی حقیقی و اعتباری تقسیم می‌شوند:

... و ثانيهما: المعانی آلتی توقعها علی الأمور الخارجیة لكنّها بحیث لو أغمضنا و قطعنا النظر عن التعلّل و التصوّر لم یکن لها فی الخارج تحقّق و لا لها وقوع ... فهذه المعانی تتحقّق بإعطاء الذهن حدّ الأمور الحقیقیة لما لیس لها و وضعها فیما لیست فیها ... (طباطبائی، بی‌تا-الف: ۴۵-۴۶)

در این تعریف، بر اساس نحوه تحقق و ثبوت، میان معانی حقیقی و اعتباری تمایز ایجاد شده است. تصورات اعتباری معانی‌ای هستند که ورای اندیشه انسان تحقق ندارند؛ به عبارتی نحوه تحقق و ثبوتشان، ذهنی است؛ برخلاف ادراکات حقیقی که هویت و ثبوتی مستقل از ذهن دارند و فی‌نفسه مطابق با موجودات خارجی هستند.

۳-۳: در رساله الولایه (نگاشته شده در خلال سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۵ ش. یا ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۴

ق. در دوره اقامت در تبریز) نگاشته شده نیز تعریفی مشابه تعریف قبل ارائه شده است:

نقول: *إنّ الموجودات تنقسم باعتبار إلی قسمین، فإنّ کلّ معنی عقلناه، إمّا أن یکون له مطابق فی الخارج موجود فی نفسه، سواء كان هناك عاقل أو لم یکن، کالجواهر الخارجیه من الجماد و النبات و الحيوان و أمثالها؛ و إمّا أن یکون مطابقه موجودا فی الخارج بحسب ما نعقله، غیر موجود لو لا التعقل، کالملک ... و یسمی القسم الأوّل بالحقیقه و القسم الثانی بالاعتبار (طباطبائی، بی تا-الف: ۲۰۵)*

بر اساس این تعریف، مطابق خارجی یک ادراک یا دارای مطابقت فی نفسه با آن است که در این صورت آن ادراک حقیقی می‌شود یا دارای مطابقت پنداری است که ادراک اعتباری می‌شود.

۳-۴: در حاشیه الکفایه (نگاشته شده در سال ۱۳۶۷ ق.) مجدداً علامه در تعریف اعتباریات

بر فرآیند و نحوه شکل‌گیری این ادراکات تمرکز دارد و فعل اعتبار کردن را اعطای حد یا حکم چیزی به چیز دیگر معرفی می‌کند. این نحوه پیدایش به سبب استفاده از این ادراکات به عنوان مبادی عمل و واسطه بودن آنها بین نقص و کمال فاعل است:

... *لکن الاعتبار و هو إعطاء حد شیء، أو حکمه لآخر حیث کانت التصدیقات المنتسبه إلیه تصدیقات و علوماً متوسطه بین کمال الحيوان الفاعل بالارادة... (طباطبائی، بی تا-ج: ج ۱، ۱۱)*

۳-۵: علامه در مقاله ششم کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم (نگاشته شده میان سال‌های

۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ ش؛ و حدوداً ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ ق.) نیز از اعتبار کردن به عنوان یک عمل فکری یاد می‌کند:

این عمل فکری را طبق نتایج گذشته می‌توان تحدید کرده و گفت عمل نامبرده این است که با عوامل احساسی حد چیزی را به چیز دیگری بدهیم، به منظور ترتیب آثاری که ارتباط با عوامل احساسی خود دارند» (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۶۱).



ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه‌شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۴۷

همچنین در پایان مقاله، در خلاصه آن، بیان می‌کند که:

معرف اعتبار، دادن حد چیزی است به چیز دیگر (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲،

۲۳۷)

۳-۶: در مجلد هشتم مجموعه تفسیر المیزان (نگاشته شده در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۹۲ ق.)، علامه مجدداً علوم اعتباری را مقابل علوم حقیقی قرار می‌دهد. در این تعریف، ادراکات اعتباری در ظرف حیات و برای عمل وضع شده‌اند و دارای ثبوت و تطابق وضعی و اعتباری هستند:

... و القسم الثانی: العلوم العمليّة و التصديقات الوضعيّة الاعتباريّة آلتی نضعها للعمل فی ظرف حیاتنا و الاستناد إليها فی مستوى الاجتماع الإنسانی فنستند إليها فی إرادتنا و نعلل بها أفعالنا الاختیاریّة و لیست مما یطابق الخارج بالذات کالقسم الأول و إن کنا نوقعها علی الخارج إيقاعاً بحسب الوضع و الاعتبار لکن ذلك إنما هو بحسب الوضع لا بحسب الحقیقه و الواقعیّه... (طباطبائی، ۱۳۷۱: ج ۸، ۵۳)

۳-۷: در رساله العلم (نگاشته سال ۱۳۸۹ هجری) نیز برای اعتباری و حقیقی چهار معنی متقابل ذکر شده که معنای چهارم آن، در این مقاله مورد بحث است:

الرابع الحقیقی بمعنی ما یضطرّ العقل النظری الی الاذعان بتحقیقه کالانسان الموجود و ملکه لقواه النفسانیّه و نحوهما و یقابله الاعتباری بمعنی ما یختلفه العقل العملی لحاجه الانسان الیه فی حیاته الاجتماعیّه کعناوین الریاسه و المرؤسیّه و المالکیّه و الزوجیّه الاجتماعیّه فأنها معان لایری العقل النظری لها تحقّقاً و لا اثراً لکنّ العقل العملی یفرضها موجوده و یرتب علیها آثاراً. (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۱۳)

در اینجا ادراکات اعتباری، ادراکات ساخته شده برای نیازهای زندگی اجتماعی هستند که توسط عقل عملی برای آنها وجود فرض شده و آثار مترتب می‌گردد.

۳-۸: در کتاب نهاییه الحکمّه (نگاشته شده در ۱۳۹۵ ق.) در تقسیم علم حصولی به حقیقی و اعتباری، پس از بحث از اصطلاح اعتباری به معنای معقولات ثانی، سه معنای دیگر نیز

بیان شده است که سومین آن‌ها بر اعتبارات عملی دلالت دارد:

الثالث المعنى التصورى أو التصديقى الذى لا تحقق له فيما وراء ظرف العمل و مال  
الاعتبار بهذا المعنى إلى استعارة المفاهيم النفس الأمرية الحقيقية، بحدودها لأنواع الأعمال  
آلتى هي حركات مختلفه و متعلقاتها، للحصول على غايات حيوية مطلوبه (طبائى، بی تا-  
ه: ۲۵۸-۲۵۹)

اعتباریات در اینجا عبارتند از معانی تصوری و تصدیقی که تنها در ظرف عمل  
تحقق دارند و بازگشت آن‌ها به استعارة حدود حقیقی برای اعمال است.

#### ۴- گونه و ساختار تعاریف

در اینجا اشاره به چند نکته در مورد گونه و ساختار تعاریف اعتباریات ضروری است.  
نخست اینکه کل این نظریه را باید به مثابه یک تعریف نظری (theoretical definition) در  
نظر گرفت؛ نظریه‌ای که سراسر آن می‌کوشد تا معنایی را مشخص کند. موضوع نظریه  
اعتباریات، ادراکات اعتباری است و در سراسر این نظریه برای شناساندن این ادراکات  
تلاش می‌شود؛ بنابراین برای هرچه بیشتر نزدیک شدن به معنای مذکور باید این نظریه را  
به مثابه یک کلیت منسجم مدنظر گرفت. همچنین تعاریف فوق را می‌توان از سنخ تعاریف  
تصریحی یا تعریف تعیینی (stipulative definition) دانست. در این تعاریف تصریحی،  
مفهوم جعل شده برای اولین بار تعریف می‌شود و تحدید موضوع صورت می‌گیرد.  
(نظر نژاد، ۱۳۸۱: ۳۴-۳۹)

همچنین تعاریف فوق را می‌توان از سنخ تعاریف مفهومی مبتنی بر تقسیم دانست. در  
این تعاریف معمولاً از ویژگی‌های عام و خاص برای تعریف یک چیز استفاده می‌شود. البته  
«ادراک اعتباری»، مفهومی ماهوی نیست و لذا ویژگی عام و خاص هم در اینجا جنس و  
فصل به معنای خاص آن نخواهد بود. ادراک، یا همان مقسم تقسیم به حقیقی و اعتباری،  
امر عامی است که در این تعاریف استفاده شده است. از تعاریف مذکور می‌توان دریافت  
که منظور از ادراک، همه معانی تصوری و تصدیقی موجود در ذهن است؛ «کل معنی  
عقلناه» یعنی هر معنای ذهنی که به آن اندیشیده می‌شود. (طبائى، بی تا-الف: ۲۰۵) (لازم

ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۴۹

به ذکر است که در فلسفه و علوم حقیقی، معانی ذهنی را به لحاظ مصادیق می توان معادل علوم حصولی دانست. لذا در اینجا مفاهیم ماهوی و معقولات ثانی به عنوان مصادیق ادراک حقیقی در نظر گرفته شده و بر این مبنا مباحث آینده پیش رفته است).

#### ۵- بررسی فصول ممیز تعاریف

تعبیری نیز که به عنوان فصول یا عناصر ممیز در تعاریف مذکور قابل بررسی هستند در چهار محور اصلی دسته بندی شده است که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

۱. تعلق به حوزه عمل

۲. عدم تحقق مستقل از ذهن (ثبوت پنداری)

۳. ساخته شده توسط افعال ذهنی

۴. حاصل اعطای حد شیئی به شیء دیگر

در ادامه بررسی خواهد شد که کدام یک از این تعبیر این قابلیت را دارند تا در تعریف ادراکات اعتباری به کار گرفته شوند تا آن ها را از ادراکات حقیقی متمایز کنند.

#### ۵-۱- تعلق به عقل عملی

در تعریف های مربوط به اعتباریات، تعبیر مختلفی وجود دارد که دال بر ارتباط ادراکات اعتباری با عمل و قلمرو عقل عملی است. چنانکه در تعاریف فوق آمده است: ادراکات اعتباری مورد استناد اراده و افعال انسان هستند؛ واسطه تکامل برای فاعل بالأراده بوده و انسان برای رفع نیازهایش به آن ها نیازمند است و برای رسیدن به مقاصدش از آن ها بهره می جوید؛ این ادراکات برای عمل وضع شده اند و بنا بر فرض عقل عملی موجودند و ورای ظرف عمل تحقق ندارند.

مرحوم علامه، اصطلاح عقل عملی را به دو معنا استعمال کرده اند؛ یکی به عنوان مبدأ افعال (طباطبائی، بی تا-ه: ۱۲۳) و دیگری حاکم حسن و قبح. (طباطبائی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۱۴۸؛ ج ۱۴، ص ۹۸) تفاوت این دو معنا را می توان با توجه به دیدگاه ایشان در مورد وجوب عام و خاص (باید عمومی و خصوصی) تبیین کرد. بر این اساس مبدئیت تصور

یک فعل برای خودش، به واسطه حکم به ضرورت آن است (باید عام) و مطلوبیت آن به واسطه حکم به حسن آن (باید خاص). (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۹۹) تصدیق به مطلوب بودن یک فعل و ضرورت بخشیدن به آن، دو فرآیند در طول یکدیگر هستند که مبدأ علمی یک فعل را شکل می‌دهند.

انسان‌ها به‌عنوان فاعل ارادی برای انجام افعالشان نیاز به علم دارند. از نظر علامه علمی که مستقیم و بلاواسطه وسیله استکمال انسان از طریق فعل است، علم حقیقی نیست بلکه علم اعتباری است. برای صدور یک فعل باید آن فعل برای فاعلش ضرورت داشته باشد. پس از وجود این چنین ضرورتی است که شوق و اراده در انسان به وجود آمده و فعل انجام می‌شود. از آنجاکه انسان فاعلی ارادی و مختار است انجام هیچ فعلی برای او فی‌نفسه ضرورت ندارد، لذا تصور هیچ فعلی تا زمانی که همراه با ضرورت (باید عمومی) نشود و فرد در خود احساس ضرورت نکند، منجر به بروز اراده و صدور فعل نمی‌شود. برای نمونه انسان برای رفع گرسنگی و سیر شدن (که کمال قوه غاذیه است) باید تصدیقی مانند «من باید آن غذا را بخورم» را پدید بیاورد تا رابطه ضرورت بین او و غذا خوردن و سیری به وجود بیاید. این تصدیق، رابطه‌ای جعلی است، زیرا ورای خواست فرد، هیچ ضرورتی برای اینکه او غذا بخورد و سیر شود وجود ندارد. (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۸۶-۱۹۹، ۲۳۴-۲۳۵) از این رو علامه یکی از ضابطه‌هایی را که برای تشخیص اعتباری بودن ادراکات قابل استفاده می‌داند این است که آن ادراک به نحوی متعلق قوای فعاله گردیده و نسبت باید در آن قابل فرض باشد. (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۹۳-۱۹۴) البته مخالفت‌هایی با دیدگاه علامه در مورد وجود باید عمومی وجود دارد که در جای خود قابل بررسی است. (آملی لاریجانی، ۱۳۹۳: ۱۰۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۷۴-۷۸؛ نبویان، ۱۳۹۰)

اما مقدم بر ضرورت بخشیدن به یک فعل، تصدیق حسن و مطلوب بودن آن است. عقل عملی مقدمات حکم خود مبنی بر اینکه انجام فعلی شایسته و مجاز است یا نه را از احساسات باطنی منبعث از قوای نفسانی و یا قوه ناطقه قدسیه دریافت می‌کند. فرد با تطبیق

ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه‌شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۵۱

صور احساسی بر افعال، فعل مطلوب خود را تمیز داده و سپس آن فعل متعلق قوای فعاله قرار می‌گیرد. علامه مراحل و اجزائی را برای این فرآیند بیان کرده‌اند که شرح آن‌ها از حوصله بحث حاضر خارج است. (طباطبائی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۴۸؛ همچنین برای اطلاع بیشتر نگاه کنید: طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۸۰-۱۹۶)

حکم در اینجا به معنای حکایت از یک رابطه ضروری یا حکایت از مطلوب بودن نیست بلکه به معنای ضرورت بخشی و مطلوبیت دادن به یک امر است. در اینجا به واسطه این معنای خاص حکم - که جعل نسبت و رابطه است و نه حکایت از آن - معنایی از عقل عملی مطرح شده که نسبت به پیشینیان علامه متفاوت است. در بخشی از *المیزان* این مسئله مورد تأکید واقع شده و بیان می‌گردد که معانی مرتبط با حوزه فعالیت عقل عملی را از امور اعتباری هستند که ثبوتشان ناشی از فعل عقل و قائم به آن است. لذا به همین معنا عقل عملی را دارای شأن حکم و قضا و عقل نظری را دارای شأن ادراک (اخذ و حکایت بدون حکم و قضا) است. با توجه به تعریفی که در اینجا از عقل عملی بر اساس دیدگاه علامه شد، چه بسا معنای اعتباریات در تعریف، تقدم بر عقل عملی داشته باشد و نظریه اعتباریات روشن‌کننده معنای عقل عملی باشد. (طباطبائی، ۱۳۷۱: ج ۱۴، ۹۸)

از سوی دیگر اگر اعتباریات به عنوان ادراکات متعلق به عقل عملی در نظر گرفته شوند - یعنی ادراکاتی که واجد وجوب عام یا خاص هستند - آنگاه این تعریف اخص از مصادیق ادراکات اعتباری خواهد بود؛ زیرا بسیاری از مفاهیم و گزاره‌های اعتباری بر این مبنا در عقل عملی نمی‌گنجند؛ مفاهیمی مانند خانواده، پول، ریاست و گزاره‌هایی مثل «علی رئیس کارخانه است». حتی اگر معنایی وسیع‌تر برای عقل عملی در نظر گرفته شود که همه مصادیق اعتباریات را دربر بگیرد، این معنای جدید خود نیازمند تعریف بوده و روشن‌تر از معنای اعتباریات نیست تا بتواند به لحاظ تصور بر آن تقدم داشته و در تعریف آن به کار گرفته شود.

#### ۲-۵- ثبوت پنداری (عدم تحقق مستقل از ذهن)

در بخش تعاریف، تعریف‌های دوم، سوم و ششم منقول از آثار علامه، تقریباً مشابه

یکدیگرند. این تعاریف، معانی ذهنی را مقسم قرار داده و به دو دسته اعتباری و حقیقی تقسیم می‌کند. علامه میان این دو قسم از ادراکات، برحسب اینکه تحقق مستقل از ذهن دارند یا نه، تفاوت قائل شده است. بر این اساس، ادراکات حقیقی ادراکاتی هستند که بر مصادیق فی‌نفسه خارجی‌شان منطبق‌اند. فی‌نفسه بودن مصادیق یعنی فارغ از انطباق ادراکات بر مصادیق، یا اندیشیدن به آن‌ها و یا حتی انتزاع مفاهیم از آن‌ها و بسیاری قیود دیگر که مرتبط با نفس آدمی و افعال آن است، مصادیق حقایق دارای نحوه‌ای تحقق و ثبوت‌اند. این مصادیق خارجی، نفس‌الامری مستقل از ذهن را تشکیل می‌دهند که منشأ ثبوت آن مفاهیم ذهنی هستند.

اما ادراکات اعتباری، برخلاف ادراکات حقیقی که منطبق بر واقع و دارای ثبوت خارجی در نظر گرفته می‌شوند، سوای تعقل و ورای عالم ذهن فاقد هرگونه تحقق‌اند و ارتباط حقیقی با عالم واقع ندارند. پیدایش این ادراکات حاصل آفرینش قوای ذهنی بوده و ثبوت آن‌ها کاملاً وابسته به ذهن است. به‌این ترتیب می‌توان برای ثبوت مفاهیم اعتباری، ظرفی مجزا از نفس‌الامر حقیقی و خارجی، به‌عنوان نفس‌الامری پنداری (و نه وهمی) در نظر گرفت که ثبوت مفاهیم اعتباری را در برمی‌گیرد و گزاره‌های اعتباری حاکی از آن هستند. (طباطبائی، ۱۳۷۱: ج ۸، ۵۴-۵۳؛ طباطبائی، بی‌تا-الف: ۴۵ و ۲۰۵)

اما باید دید که آیا «تحقق خارجی نداشتن» یا به تعبیر دیگر «ثبوت پنداری»، فصل و ممیز مناسبی برای به‌کارگیری در تعریف ادراکات اعتباری می‌تواند باشد؟ به نظر می‌رسد این تعابیر ابهاماتی دارند. نخست اینکه منظور از تحقق خارجی یا ذهنی یک مفهوم در اینجا وجود خارجی یا ذهنی نداشتن آن نیست؛ زیرا مفاهیم همگی دارای وجود ذهنی‌اند، پس به لحاظ نحوه وجود نمی‌توان میان مفاهیم حقیقی و اعتباری تمایز برقرار کرد. به نظر می‌رسد متعلق ثبوت، چیستی و ماهیت مفاهیم باشد و نه وجود آن‌ها؛ یعنی مفاهیم از آن حیث که در فرآیند ادراک مورد التفات و توجه قرار می‌گیرند متصف به ثبوت ذهنی یا خارجی گشته‌اند. در این صورت می‌توان پرسید در اینجا «ثبوت مفاهیم» در خارج یا ذهن به چه معناست؟

ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۵۳

با توجه به بیانات علامه برای رسیدن به معنایی محصل از ثبوت مفاهیم، از دو منظر می توان رابطه مفاهیم با عالم خارج را مورد بررسی قرار داد. از یک نظر نحوه ثبوت مفاهیم را می توان به چگونگی مطابقت با خارج برگرداند و دیگر اینکه آن را با منشأ انتزاع خارجی داشتن یا نداشتن مرتبط دانست. بررسی این موضوع، نیازمند تمهید برخی مقدمات در مورد معقولات اولی و ثانوی است.

در صورتی که حقایق از نظر مصادیق مساوی با علوم حصولی در نظر گرفته شوند، در یک تقسیم می توان حقایق را به معقولات اولیه (مفاهیم ماهوی) و معقولات ثانوی تقسیم کرد. ماهیات همان گونه که در ذهن حضور دارند عیناً در خارج هم تحقق دارند با این تفاوت که آثاری که در خارج بر آن ها مترتب است در ذهن بر آن ها مترتب نیست. (طباطبائی، بی تا-ه: ۲۵۶) این بیان که بر اساس آن مفاهیم ماهوی با مصادیق خارجی خود مطابقت دارند رویکردی اصالت ماهوی دارد. در سه تعریف مورد بحث در این قسمت، می توان گفت بیشتر چنین نگاهی حاکم است.

علامه با بیانی دقیق تر و مبتنی بر اصالت وجود، ماهیات را ظهورات وجود خارجی برای ذهن می داند، (طباطبائی، بی تا-ه: ۱۵) که ثبوت آن ها به تبع وجود خارجی شان مفروض است. پس می توان گفت که مفاهیم ماهوی در ذهن با وجود ذهنی تقرر دارند و در عالم خارج به واسطه وجودی دیگر که منشأ ماهیت آن است، ثبوت و تحقق دارند. چیستی مفاهیم ماهوی نشأت گرفته از آن وجود خارجی و وابسته به آن است. پس تحقق مستقل از ذهن داشتن را با قرائتی اصالت وجودی می توان به بودن وجودی خارجی که منشأ انتزاع مفهوم است، تعبیر کرد.

معقولات ثانی مفاهیمی هستند که به طور مستقیم از خارج به دست نمی آیند. این مفاهیم دو دسته اند؛ دسته اول مفاهیم منطقی که با استفاده از مفاهیم ماهوی (معقولات اولی) ایجاد می شوند و در حوزه منطق کاربرد دارند و دلالت بر صفات و احکام مفاهیم موجود در ذهن می کند. دسته دیگر مفاهیم فلسفی هستند که از احکام (حکم قضایا از حیث وجود ذهنی بودن آن ها) به دست می آیند و شامل وجود و عدم و احکام و اوصاف

آن‌ها می‌شوند. علامه معتقد است معقولات ثانی به واسطه ثبوت مصادیقی که از آن‌ها حکایت می‌کنند، دارای نحوی از ثبوت هستند. این مفاهیم اگرچه مأخوذ از این مصادیق نبوده و حملشان بر آن‌ها ذاتی نیست، ولی بنا بر ادعا از لوازم عقلی وجود و ماهیات هستند و به تبع آن‌ها دارای تقرر و ثبوت‌اند. (طباطبائی، بی‌تا-ب: ۲۰؛ طباطبائی، بی‌تا-ه: ۱۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷)

بر اساس آنچه گفته شد، به دست آوردن معانی سلبی که توصیف‌کننده ثبوت مفاهیم اعتباری باشد، ناممکن است؛ یعنی اینکه از ثبوت پنداری اعتباریات به «عدم مطابقت با خارج» یا «نداشتن منشأ انتزاع خارجی» تعبیر شود. در واقع با این اوصاف معقولات ثانی آن‌چنان که ماهیات مصداق فی‌نفسه دارند و منطبق بر مصادیقشان هستند، بر مصادیق انطباق ندارند. علامه طباطبائی معقولات ثانی را فاقد مطابقت فی‌نفسه می‌داند و حکایتگری آن‌ها را از خارج بالعرض می‌داند. (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۵۹ و ۱۳۵) تا جایی که حتی علامه مصباح یزدی به جز برخورداری از منشأ انتزاع، معقولات ثانی را فاقد هرگونه مابازاء عینی می‌داند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۲۰۱ و ۲۸۵)

از سوی دیگر به آن معنا که مفاهیم ماهوی دارای منشأ انتزاع دانسته شد نمی‌توان معقولات ثانی را دارای منشأ انتزاع دانست؛ زیرا منشأ و نحوه پیدایش آن‌ها کاملاً متفاوت است. علامه طباطبائی به صراحت معقولات ثانی را مانند اعتباریات ساخته ذهن می‌داند. معقولات ثانی با مقایسه مفاهیم و احکام - که اموری ذهنی هستند - و نگاه استقلالی یا فرض و تقدیر بر اساس نسبت آن‌ها، پدید می‌آیند، ولی مفاهیم ماهوی با تجرید و تعمیم انطباعات حسی حاصل می‌گردند. (صدرالدین شیرازی، بی‌تا: ج ۱، ۳۴۵؛ طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۵۷ و ۵۸ و ۶۵)

پرواضح است که تعابیر ایجابی مانند قید «بحسب الوضع و الاعتبار» برای مطابقت اعتباریات با خارج که در تعریف ششم آمده است، مناسب تعریف نیست و دور ایجاد می‌کند. از سوی دیگر به برخی مفاهیم اعتباری فاقد کارکرد حکایتگری و به تبع آن، ویژگی مطابقت هستند و استفاده از شاخصه مطابقت به هر شکل برای تعریف آن‌ها ممکن



ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۵۵

نیست، لذا بهترین راه برای رسیدن به تعبیر ایجابی برای ایجاد تمایز بین ادراکات، پرداختن به چگونگی ساخته شدن اعتباریات با بهره گیری از دیدگاه علامه است.

### ۵-۳- ساخته افعال ذهنی

علامه اعتباریات را حاصل افعال ذهن و قوای آن می‌داند. ایشان به کرات بر اساس نحوه پیدایش این ادراکات، از تعابیر خلق، جعل، ساختن، اعتبار کردن، عمل فکری و نظایر آن برای تعریف آن‌ها استفاده کرده‌اند. به نظر می‌رسد دلیل استفاده از این تعابیر برجسته‌سازی نقش کنشگر و فعال ذهن و تأثیر اراده و انتخاب آدمی در ایجاد اعتباریات باشد؛ اما در مقابل، در مورد ادراکات حقیقی صحبت از انتزاع و اخذ و یافتن و امثالهم می‌کنند. از این نظر می‌توان گفت که اساساً دو نوع فعل کاملاً متفاوت، ادراکات را پدید می‌آورند؛ یکی اخذ و انتزاع و دیگری خلق و اعتبار. لذا باید دید که این دو گونه فعل و محصولاتشان چه تفاوتی با یکدیگر دارند و وجه تمایزشان چیست؟ از سه جهت می‌توان این دو را مقایسه کرد: اول، از نظر فرآیند ساخت، دوم، مبادی و اسباب و سوم، ساختار و ترکیب ادراک حاصل.

### ۵-۳-۱- نوع فرآیند ساخت

ادراکات چه حقیقی و چه اعتباری به واسطه یک سری افعال در ذهن ایجاد می‌شوند. اعتباریات پیش از این افعال هیچ تحقق‌ی نداشته و توسط آن‌ها تعیین می‌یابند. پس تفاوت فرآیندها در اینجا است که افعال ذهنی دخیل در پیدایش اعتباریات، به گونه‌ای هستند که چیستی و ماهیت ادراکات حاصل از آن‌ها وابسته به آن‌ها است. علامه در جلد چهاردهم *المیزان* فعل عقل عملی که متعلق آن اعتباریات است را «حکم و قضاوت» می‌داند، زیرا از نظر وی تحقق و ثبوت اعتباریات بعینه فعل عقل و قائم به آن است؛ اما در مقابل تصورات و تصدیقات حقیقی و غیر اعتباری را واجد ثبوت و تحقق مستقل از ذهن دانسته، لذا فرآیند ادراک آن‌ها را از سنخ «اخذ و حکایت» می‌داند. (طباطبائی، ۱۳۷۱: ج ۱۴، ۹۸) بنابراین به این معنا انتزاع در مقابل اعتبار قرار دارد. البته به شرطی که نحوه پیدایش تمامی ادراکات

حقیقی را بتوان به گونه‌ای تبیین کرد که ذیل اخذ و حکایت قرار بگیرند؛ یعنی با وجود اینکه یک سری از افعال ذهنی در پیدایش آن‌ها دخیل‌اند، تبیینی از فرآیند ساخت آن‌ها ارائه شود که در آن، چستی ادراکات حقیقی مستقل از این فرآیند بوده و تابع منشأ انتزاع آن‌ها باشد.

مفاهیم ماهوی حاصل اجرای فرآیندهای تجرید و تعمیم انطباعات حسی هستند. (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۵) پس تنها با این فرض می‌توان ثبوت آن‌ها را مستقل از ذهن دانست که تعمیم و تجرید فرآیندهایی باشند که قابلیت حکایتگری و انطباق آن‌ها نسبت به واقع را تحت تأثیر قرار ندهد. نسبت به معقولات ثانی نیز شرایط به همین شکل است. بنا بر نقل شهید مطهری علامه طباطبائی نخستین شخصی هستند که نحوه پیدایش معقولات ثانیه را شرح داده‌اند. ایشان معقولات ثانی را حاصل «نگاه استقلالی» به روابط و نسبت‌های به‌دست آمده از مقایسه مفاهیم ذهنی و «مفهوم‌گیری» از احکام که نوعی فعل ذهنی هستند، می‌دانند. (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۵۷ و ۵۸ و ۶۵) اگر آنچه نگاه استقلالی و یا مفهوم‌گیری خوانده شده به معنای منفعل شدن ذهن از افعال خود و ایجاد صور ذهنی بر اساس این افعال باشد، مصداق اخذ و حکایت خواهد بود و الا نه.

### ۵-۳-۲- مبادی و اسباب

از سویی علامه در *حواشی/سفار اعتباریات* و معقولات ثانی را غیرانتزاعی و به معنایی هر دو را ساختگی و فاقد ثبوت خارجی می‌داند و بیان می‌کند که ایجاد معقولات ثانیه و اعتباریات بر اساس فرض و تقدیر است. وی برای تمایز قائل شدن میان این دو گونه ادراک، اسباب و عوامل محرک فرض عقلی پدیدآورنده آن مفاهیم را به دو دسته تقسیم می‌کند که در معقولات ثانی ثابت و دائم و جدایی‌ناپذیر از ادراک عقلی و در اعتباریات جزئی و مقطعی است. (صدرالدین شیرازی، بی تا: ج ۱، ۳۴۵) در این بیانات نیز به وضوح ملاک دائمی یا مقطعی بودن و کلی یا جزئی بودن عوامل دخیل در پیدایش ادراکات (بخصوص در مورد معقولات ثانی) مشخص نبوده و مبهم است.

ایشان صراحتاً به جزئیات افعال ذهنی پدیدآورنده اعتباریات نپرداخته‌اند، اما از

ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۵۷

کلامشان می توان برداشت کرد که این افعال سازوکارهایی ارادی و اختیاری اند که از صور ادراکی به عنوان ماده استفاده کرده و با تصرف در آنها به وسیله ترکیب و جعل نسبت و حکم، اعتباریات را ایجاد می کنند. دواعی و احساسات درونی نیز به منزله عوامل جهت دهنده، در سامان دادن به این ادراکات نقش ایفا می کنند. شاید یکی از اسباب افعال ذهنی منشأ اعتباریات که صحبت از جزئی و مقطعی بودن آنها شد، همین احساسات و دواعی باطنی باشند. بعضاً دخالت این دواعی در پیدایش اعتباریات، وجه تمایز آنها از حقایق دانسته شده، لذا از آنها با عنوان «ادراکات وابسته به احساسات» یاد می شود. از این جهت که اعتباریات زاده احساسات هستند، از ثبات و تغییر آنها تبعیت خواهند کرد. لذا علامه اعتباریات را به دو دسته تقسیم می کند:

۱. اعتباریات عمومی ثابت که برآمده از احساسات عمومی ناشی از ساختمان طبیعی

بشر و لازمه نوعیت است؛ مانند متابعت علم، اعتبار اجتماع و اختصاص

۲. اعتباریات خصوصی قابل تغییر مانند مصادیق زشتی و زیبایی و اشکال گوناگون

اجتماع (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۵۸-۱۶۶ و ۱۹۵)

برای درک بهتر نحوه اثرگذاری دواعی بر ادراکات اشاره به چند نکته ضروری است. نخست اینکه دواعی و احساسات مستقیم با هر فعل و اعتبار مرتبط نیستند. اغلب غایاتی بر اساس دواعی برگزیده شده و به عنوان کمال در نظر گرفته می شوند و افعال از آنها تبعیت می کنند. دیگر اینکه افراد نسبت به دریافت و درک این دواعی منفعل هستند اما در مورد توجه قرار دادن و به کارگیری این دواعی، اراده و اختیارشان دخیل است و در کشاکش دواعی متعارض قطعاً مجبور به انتخاب می شوند. لذا عنصری که اعتباریات را وابسته و تابع ذهن می کند، قدرت اراده و اختیار اوست نه دواعی و احساسات که اموری انفعالی هستند. لذا می توان گفت ادراکات اعتباری ادراکات ساخته شده توسط افعال ذهنی هستند. ساخته شده به این معنا که چپستی آنها وابسته به افعالی است که نفس آدمی با انتخاب و اراده خود و بهره جستن از دعوت دواعی باطنی انجام می دهد.

### ۵-۳-۳- ساختار ادراکات

چیستی ادراکات حقیقی به لحاظ ساختار و ماده -قطع نظر از فرآیندی که در پیدایش آن‌ها طی می‌شود- حاصل انفعال ذهن نسبت به خارج آن است. پس اگر حقایق صرفاً صور انفعالی باشند، اعتباریات ترکیبی از «صور انفعالی» و «اجزای فعلی» (مانند انواع احکام شامل ضرورت‌بخشی‌ها و جعل نسبت‌ها و نیز ترکیب و وحدت بخشیدن به تصورات و غیره) است. ذهن در ادراکات تصرف می‌کند تا اعتباریات پدید بیایند و ماده و متعلق این افعال ذهنی تصورات هستند. فعلی که به وجود آورنده ادراک اعتباری است، جدا از محصولش که همان ادراک باشد، نیست، بلکه بخشی از ساختار آن است. ساختن ادراک اعتباری فعلی نیست که جایی آغاز شود و خاتمه یابد و ماده‌ای تغییر یافته و محصولی باقی بماند؛ بلکه خود آن فعل عیناً بخشی از ادراکی است که درک می‌شود. احکام عقل عملی نمونه بارز یک فعل ذهنی است که (همراه متعلقاتش)، مُدرک واقع می‌شود. با اندکی تأمل می‌توان دریافت که اعطای حد و جعل نسبت و فرض ذوات و امثالهم نیز از همین سنخ هستند. پس می‌توان این‌گونه بیان کرد که ادراکات اعتباری ساختاری مرکب از اجزای فعلی و انفعالی دارد.

### ۵-۴- محصول فرآیند اعطای حد یا حکم شیئی به شیء دیگر

علامه در تعریف ادراکات اعتباری بعضاً از تعریف فرآیند «اعتبار» استفاده می‌کند که در آن اعتبار نوعی فعل ذهنی است که طی آن حد یا حکم شیئی به شیء دیگر داده می‌شود. این تعریف را برگرفته از تعریف استاد ایشان محقق اصفهانی دانسته‌اند؛ که اعطای حد معادل معنی اعتبار و اعطای حد معادل معنی تنزیل نزد ایشان است. (حسنی و موسوی، ۱۳۹۸: ۱۱۸ و ۱۱۹) در اینجا به نظر می‌رسد منظور علامه از حد و حکم، معنای مصطلح منطقی آن‌ها نیست. حد در معنای منطقی آن تعریفی است که با استفاده جنس و فصل برای یک ماهیت صورت می‌پذیرد و امکان تصور کردن آن را فراهم می‌آورد. (طباطبائی، بی‌تا-د: ۲۲۰) اما در اینجا با توجه به مثال‌هایی که ایشان مطرح نموده‌اند مشخص می‌شود که معنایی عام از حد مدنظر است که مختص به امور ماهوی نیست (طباطبائی و شیروانی،

ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۵۹

۱۳۸۷: ج ۳، ۱۵۳) و مطلق ذاتیات یک شیء یا مفهوم را دربر می گیرد. نمونه این مثالها مفهوم مالکیت است؛ ایشان در مورد اعتبار مالکیت معتقدند حد مالک حقیقی، قیام وجودی شیئی دیگر به آن است که به اشخاص (نسبت اموالشان)، اعطاء می گردد. (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۸۵ و ۸۶) حکم نیز در اینجا به معنای هر ویژگی یا محمول خارج از ذات یک شیء است که می تواند بر موضوعی دیگر حمل شود؛ مانند خندان یا متعجب بودن انسان که قابلیت اعتبار برای اسب را هم دارد. (صدرالدین شیرازی، بی تا: ج ۱، ۳۴۵) اما تعبیر اعطای حد و یا حکم تعبیر جامعی نیست؛ زیرا بسیاری از مصادیق اعتباریات را که در آثار علامه مطرح شده اند، شامل نمی شود، مثل احکام عقل عملی و نیز جعل ذات و وحدت بخشی به یک مجموعه مثل خانواده. خانواده قبل از واحد و مجموعه فرض شدن هیچ شیئی و وحدتی ندارد که بخواهد حدی برای آن اعتبار شود. همچنین برخلاف دیدگاه علامه که این گونه موارد را مصداق اعطای حد واحد به یک مجتمع می دانند، وحدت بخشی به اموری متکثر، نوعی فعل و حکم نفسانی است، نه حد یا حکم یک شیء که از جایی انتزاع شده و به جای دیگر منتقل شود. به علاوه اینکه بسیاری از مصادیق بیان شده برای اعطای حد و حکم، دچار اشکال اند؛ مانند اینکه ریاست حاصل اعطای حد رأس و یا نسبت آن به اعضای بدن، به یک فرد به عنوان رئیس باشد. مفهوم ریاست بسیار پیچیده تر از آن است که با اعطای یک و یا حتی چند حد و یا حکم پدید آمده باشد. شاید در نام گذاری این واژه، چنین رابطه ای بین رأس و بدن مدنظر بوده است، ولی بسیار واضح است که در تصور مفهوم ریاست و یا رئیس اثری از این نسبت نیست. در مورد مالکیت نیز همین طور است؛ حتی به نظر می رسد بیش از آنکه مفهوم مالکیت اعتباری زاده مالکیت تکوینی باشد، عکس آن صادق است؛ زیرا کودکان نیز بدون داشتن درکی از مفهوم دوم با اولی آشنا هستند، پس ضرورتی برای مقدم دانستن تصور مالکیت تکوینی وجود ندارد. (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۸۵ و ۸۶)

## ۶- برخی دیدگاه های ناصحیح نسبت به اعتباریات و تعریف آن

شهید مطهری در شرح مقاله اول کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، مفاهیم ذهنی را به سه

دسته حقایق، اعتباریات و وهمیات تقسیم می‌کنند. حقایق مفاهیمی هستند که در خارج مصداق واقعی دارند. اعتباریات در خارج مصداق غیرواقعی دارند. وهمیات یعنی ادراکاتی که هیچ‌گونه مصداقی در خارج ندارند، مثل تصور غول، سیمرخ و شانس. (طباطبائی و مطهری، ۱۳۶۴: ج ۱، ۳۵) یکی از ایرادات این تقسیم، مبهم بودن ملاک مطابقت و حقیقی یا غیرحقیقی بودن مصادیق، است که ذیل بحث از ثبوت پنداری از آن بحث شد. دیگر اینکه بسیاری از اعتباریات از جمله پدیده‌های اعتباری مثل عقود مصداق خارجی ندارند. حتی برخی از مفاهیم اعتباری شأن حکایتگری ندارند، چه برسد به اینکه مصداقی داشته باشند که بخواهد به نحوی با آن تطابق داشته باشند؛ مثل «باید». همچنین بسیاری از امور ساخته ذهن که زمانی فاقد مصداق خارجی اند بعداً ممکن است برای آن‌ها مصادیقی فرض شده یا حتی ساخته شود؛ مثل تصور ذهنی از وسیله پرنده‌ای مثل هواپیما که روزی صرفاً یک طرح ذهنی بوده، بعداً ساخته شده و اکنون مصداق خارجی دارد. لذا این تقسیم‌بندی بر اساس ویژگی‌های ذاتی مفاهیم صورت نگرفته و با مقاصد تقسیم ادراکات به حقیقی و اعتباری هم‌خوان نیست. مشابه شهید مطهری افراد دیگری نیز ادراکات را مبتنی بر نحوه مطابقت یا نوع مصداق، به سه دسته تقسیم نموده‌اند که غالباً همین ایرادات به دیدگاه آن‌ها نیز وارد است. (عاشوری و خسروپناه، ۱۳۹۵: ۷۰)

علامه مصباح یزدی اکثر مفاهیمی را که علامه طباطبائی اعتباری دانسته، از سنخ معقولات ثانی یا مفاهیم ماهوی می‌داند که برای برخی مقاصد عملی عاریت گرفته شده‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۱۹۶-۲۰۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹۸-۲۰۰) برای قضاوت در مورد مصادیق اعتباریات، یک تعریف دقیق از آن که ملاک یا ملاک‌هایی را برای تشخیص در اختیار بگذارد، ضروری است؛ اما نظر ایشان مستند به چنین تعریف دقیق و ملاکی نیست.

آملی لاریجانی بر این عقیده است که اعتبار تنها در ظرف قضیه صورت می‌گیرد و وصف مفهوم نمی‌تواند باشد، لذا توصیف مفاهیم با این وصف تسامحی است. وی در توجیه نظر خود به یک نوع مثال خاص استناد کرده و از توجه به بسیاری مصادیق مطرح

ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۶۱

برای اعتباریات چشم پوشیده است. او به مثال «احمد شیر است.» استناد می کند که در آن نه احمد و نه شیر هیچ کدام اعتباری نیستند. (آملی لاریجانی، ۱۳۹۳: ۱۵ و ۱۶) سابق بر این هم از دیدگاه علامه برداشت مشابهی توسط عبدالکریم سروش صورت گرفته بود. وی نیز اعتباریات را از جنس تصدیقات دانسته و وجود تصور اعتباری را نفی کرده بود. (سروش، ۱۳۹۳: ۳۴۵-۳۴۶) صراحت نداشتن علامه در تفکیک مفاهیم از گزاره‌ها در تعریف ادراکات اعتباری، زمینه این برداشت‌های اشتباه را فراهم کرده است. این مسئله لزوم تفکیک مفاهیم و گزاره‌های اعتباری از یکدیگر را در هنگام تعریف گوش زد می کند. همان طور که در حقایق گزاره‌ها از نفس الامر حکایت می کنند، در اعتباریات هم گزاره‌ها حکایتگر نفس الامر اعتباری هستند. این نفس الامر متشکل از مفاهیم اعتباری، احکام و نسبت‌های جعلی است که مفاهیم را به یکدیگر و نیز به نفس الامر حقیقی مرتبط می کنند. افراد دیگری نیز همین رویکرد را در پیش گرفته‌اند. به عنوان نمونه محسن جوادی با استناد به سخنان سروش و آملی لاریجانی، ایجاد مفاهیم اعتباری در ذهن را به معنای خلق تصور جدید نمی داند بلکه عمل اعتبار را به منزله گسترش دایره مصادیق یک مفهوم می داند (جوادی، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۴).

پورحسن نیز برداشت‌های غلط رایج دیگری در مورد اعتباریات را احصاء کرده است؛ که از آن جمله یکی تأکید بر ذهنی محض بودن اعتباریات و دیگری منشأ و نسبت حقیقی نداشتن اعتباریات با واقع است. (پورحسن، ۱۳۹۲)

## ۷- ارائه تعریف بدیل برای ادراکات اعتباری

این مقاله به دنبال تعریفی از ادراکات اعتباری است که علاوه بر جامع و مانع بودن، شناخته شده تر بودن معرّف نسبت به معرّف و دوری نبودن و نیز سایر ملاک‌های اولیه لازم برای یک تعریف، شناخت صحیحی از ابعاد و چیستی این ادراکات به مخاطب ارائه کند. لذا انتظار می رود که تعریف بدیل تعاریف علامه، ضمن روشن کردن حدود موضوع، بیانگر ویژگی‌های اصلی این ادراکات هم باشد. برای دستیابی به این اهداف اعمال اصلاحات کلی زیر در تعاریف ادراکات اعتباری ضروری به نظر می رسد:

۱- نخستین مسئله‌ای که باید در تعریف ادراکات اعتباری مورد توجه قرار گیرد، تفکیک مفاهیم و گزاره‌ها در ساختار تعریف است. به دلیل تفاوت‌های ماهوی این دو قسم از ادراکات، یک‌باره نمی‌توان تعریفی از اعتباریات ارائه داد که هر دو را شامل گردد. در تعاریفی که علامه مطرح نموده‌اند، هرچند که نص تعاریف عمدتاً ناظر به مفاهیم است و نه گزاره‌ها؛ اما صراحتاً تفکیکی وجود ندارد. لذا در تعریف جایگزینی که ارائه خواهد شد برای خلط نشدن اقسام اعتباریات، ابتدا مفاهیم اعتباری تعریف می‌شوند و سپس گزاره‌ها بر مبنای ارتباطشان با این مفاهیم تعریف خواهند شد.

۲- هدف اصلی از طرح نظریه اعتباریات متمایز کردن دو دسته از ادراکات با منشأ و ویژگی‌های کاملاً متفاوت، است. بر این اساس ساختار تعریف بدیل دو بخش خواهد داشت. یک امر عام که مقسم واقع می‌شود و آن «ادراک» است. منظور از ادراک در اینجا کلیه معانی ذهنی اعم از تصدیقی و تصویری است. بخش دوم هم یک عنصر متمایزکننده خواهد بود که تقسیم‌کننده ادراکات به اعتباری و حقیقی است. بنا بر آنچه گفته شد، از میان تعابیری که به‌عنوان فصل ممیز مورد بررسی قرار گرفت، «ساخته افعال ذهنی بودن» برای به‌کارگیری در تعریف مفاهیم اعتباری مناسب‌تر تشخیص داده شد. سایر تعابیر همگی به شکلی در مورد تمام یا بخشی از مصادیق صادق هستند ولی یک یا چند شرط لازم برای تعریف مانند جامع بودن، مانع غیر بودن، وضوح و شناخته‌شده‌تر بودن نسبت معرف را نداشتند. وصف «ساخته افعال ذهنی بودن» چستی مفاهیم اعتباری، هیچ‌گاه در تعاریف علامه محور نبوده و یک وصف جنبی محسوب می‌شود، اما محوریت در تعریف پیشنهادی با آن خواهد بود. استفاده از وصف مذکور نه تنها چالش‌هایی را که سایر تعابیر با آن مواجه‌اند را ندارد، بلکه مزایایی نیز دارد. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های آن این است به‌صورت ضمنی به رابطه علی ادراکات اعتباری و افعال ذهنی و مبادی آن اشاره دارد. پس ذیل آن به‌راحتی می‌توان از نحوه و فرآیندهای پیدایش، مبادی و عوامل اثرگذار و نیز ساختار و ماده این ادراکات، بحث کرد و این ادراکات را به لحاظ علی با امور اثرگذار بر آن‌ها مرتبط نمود. این مسئله در مطالعات معرفت‌شناسی برای تبیین عوامل غیرمعرفتی



ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۶۳

اثرگذار بر معرفت، زمینه را مساعد خواهد نمود. در نظریه پردازي در حوزه علوم انسانی، بخصوص ساخت الگوهای تبیینی مرتبط با حوزه کنش انسانی، نیز همین گونه است.

۳- برای رساندن مخاطب به درکی درست از چیستی ادراکات اعتباری و عوامل مرتبط با آن، لازم است دو عنصر در تعریف اعتباریات برجسته شوند؛ یکی قدرت انتخاب انسان و دیگری دواعی باطنی او. افعال ذهنی موجد اعتباریات، به عنوان یک مجرا عمل می کنند که عوامل غیر معرفتی مانند دواعی را در چیستی ادراکات دخالت می دهند. انتخاب های مختلف افراد نسبت به این عوامل غیر معرفتی، اختلاف و تفاوت در ادراکات - و به تبع آن تفاوت در اعمال آدمی - را رقم می زنند. تبیین تفاوت ها در ادراک و کنش بشری، بدون توجه به عنصر اراده و توانایی انتخاب او ناممکن است. همچنین غفلت از جایگاه نفس ناطقه قدسیه - به عنوان دریافت کننده هدایت الهی - در اندیشه علامه سبب این برداشت شده که نظریه اعتباریات در تعیین حسن و قبح امور، دچار نسبت مطلق است. برای رسیدن به دریافت صحیح نسبت به بسیاری از مسائل دیگر نیز مانند تکوین پدیده های اجتماعی و تمدن سازی و غیره، باید اعتباریات را در پرتو هدایتگری دواعی دریافتی نفس ناطقه قدسیه و قدرت انتخاب انسان دید.

لذا تعریف حاصل از این پژوهش به این صورت خواهد بود:

مفهوم اعتباری، مفهومی ذهنی است که چیستی (ماهیت) آن را افعال ذهنی فرد معین می کند. (در مقابل مفاهیم حقیقی که اگرچه برای ایجاد آن ها افعالی در ذهن انجام می شود، ولی این افعال بنا بر فرض از سنخ اخذ و حکایت هستند و بر ماهیت آن ها اثرگذار نیستند.) با این تفسیر که افعال پدید آورنده اعتباریات، کنش هایی ارادی و اختیاری هستند که با بهره از احساسات و دواعی درونی یا غایات برآمده از آن ها، اعتباریات را پدید می آورند. انواع فرآیندهای ترکیب و وحدت بخشی، جعل نسبت و ضرورت، جعل ذات و غیره، یا هر نوع فرآیندی که پدید آورنده چیستی یک ادراک باشد را می توان نوعی اعتبار کردن دانست. یک ادراک اعتباری، ساختاری مرکب از صور انفعالی و افعال ذهنی دارد؛ اما در مقابل آن، حقایق صور انفعالی صرف هستند. مجموع این مفاهیم و روابطشان،

۱۶۴ | فصلنامه علمی حکمت و فلسفه | سال هجدهم | شماره ۶۹ | بهار ۱۴۰۱

نفس‌الامری اعتباری را تشکیل می‌دهند که گزاره‌ها و قضایای اعتباری از آن حکایت می‌کنند.

### تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

#### ORCID

Hossein Kalbasi Ashtari  
Mahdi koushki



<http://orcid.org/0000-0002-9057-5486>



<http://orcid.org/0000-0001-9174-8994>

ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه شده و عرضه تعریف بدیل؛ کلباسی اشتری و کوشکی | ۱۶۵

#### منابع

- آملی لاریجانی، صادق. (۱۳۹۳). *فلسفه علم اصول: علم اصول و نظریه اعتبار*. تهران: انتشارات مدرسه علمیه ولی عصر (عج).
- الغروی الاصفهانی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *نهایه الدرایه فی شرح الکفایه*. تصحیح رمضان قلی زاده المازندرانی. قم: انتشارات سیدالشهداء.
- پورحسن، قاسم. (۱۳۹۲). «اعتباریات اجتماعی و نتایج معرفتی آن؛ بازخوانی دیدگاه علامه طباطبائی». *حکمت و فلسفه*. ۳۶. ۴۷-۷۰.
- جوادی، محسن. (۱۳۷۵). *مسئله باید و هست (بحثی در رابطه ارزش و واقع)*. قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات.
- حسنی، سید حمیدرضا؛ و موسوی، هادی. (۱۳۹۸). *انسان کنش اعتباری به مثابه ظرفیت شناسی مبانی انسان شناختی علامه طباطبائی و عالمان علم اصول برای علوم انسانی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۹۳). *تفرج صنع: گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی (ویرایش ۲)*. تهران: موسسه فرهنگی صراط.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (بی تا). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۱). *المیزان فی تفسیرالقرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۸۸). *بررسی های اسلامی*. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۶۳). *رساله العلم*. در دومین یادنامه علامه طباطبائی. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (بی تا-الف). *الإنسان والعقیده*. تصحیح علی الاسدی و صباح الربیعی. چاپ ۲. قم: مکتبه فدک لاحیاء التراث.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (بی تا-ب). *بدایه الحکمه*. چاپ ۱. قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (بی تا-ج). *حاشیه الکفایه (ج ۱-۲)*. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (بی تا-د). *مجموعه رسائل العلامة الطباطبائی*. تحقیق صباح الربیعی. قم:

باقیات.

طباطبائی، سید محمدحسین. (بی تا-ه). *نهایة الحکمة*. چاپ ۱۲. قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

طباطبائی، سید محمدحسین؛ و شیروانی، علی. (۱۳۸۷). *ترجمه و شرح نهایة الحکمة*. چاپ دوم. قم: بوستان کتاب.

طباطبائی، سید محمدحسین؛ و مطهری، مرتضی. (۱۳۶۴). *اصول فلسفه و روش رئالیسم* (ج ۱-۵). چاپ دوم. تهران: انتشارات صدرا. بازیابی از کتابخانه دیجیتال نور، نرم افزار مجموعه آثار علامه طباطبائی.

عاشوری، مهدی؛ و خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۵). «واقع‌نمایی و ارزش معرفتی شناخت‌های ظنی بر مبنای نظریه اعتباریات علامه طباطبائی». *فلسفه و کلام اسلامی*. ۱۱. ۵۵-۷۴. عباسی، بابک. (۱۳۸۲). *تعریف. در دانشنامه جهان اسلام* (ج ۷، ص ۵۰۱-۵۰۵). تهران: بنیاد دائره‌المعارف اسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۳). *آموزش فلسفه* (ج ۱-۲). چاپ چهارم. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۴). *فلسفه اخلاق*. تحقیق احمدحسین شریفی. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصلح، علی اصغر. (۱۳۹۲). «اعتباریات علامه طباطبائی مبنای طرحی فلسفی برای فرهنگ». *حکمت و فلسفه*. ۳۶. ۴۶-۲۷.

نبویان، سید محمود. (۱۳۹۰). «چیستی اعتبار نزد علامه طباطبائی». *معرفت فلسفی*. ۳۴. ۱۱۵-۱۴۶. نظرنژاد، نرگس. (۱۳۸۱). *ماهیت و انواع تعریف*. تبریز: دانشگاه تبریز، موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی.

Amoli Larijani, Sadegh. (2014). *The philosophy of the science of principles: the science of principles and the theory of validity*. Tehran: Vali Asr Seminary Publications (AJ). [in Persian]

Al-Gharavi Al-Isfahani, Mohammad Hossein. (1995). *The end of al-Daraiya in the explanation of sufficiency*. Corrected by Ramadan Qolizadeh Al-Mazandarani. Qom: Seyyed al-Shohada Publications. [in Persian]

Ashuri, Mehdi; and Khosropanah, Abdul Hossein. (2016). "Realization and epistemological value of imaginary cognitions based on the theory of validity of Allameh Tabatabai". *Islamic philosophy and theology*. 11. 55-74. [in Persian]

Abbasi, Babak. (2003). *Definition*. In *Encyclopedia of Islamic World* (Vol.

- 7, pp. 501-505). Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. [in Persian]
- Hasani, Seyyed Hamidreza; and Mousavi, Hadi. (2018). *Credential anthropomorphism as an anthropological foundation of Allameh Tabatabai and scholars of principles for human sciences*. Qom: University and District Research Institute. [in Persian]
- Javadi, Mohsen. (1996). *The issue of should and is (a discussion on the relationship between value and reality)*. Qom: Qom Seminary, Islamic Propaganda Office, Publication Center. [in Persian]
- Misbah Yazdi, Mohammad Taghi. (2004). *Teaching philosophy* (Vol. 1-2). fourth edition. Tehran: Islamic Propaganda Organization, International Publishing Company. [in Persian]
- Misbah Yazdi, Mohammad Taghi. (2015). *Moral philosophy. Ahmed Hossein Sharifi's research*. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA). [in Persian]
- Mosleh, Ali Asghar. (2012). "Allameh Tabatabai's credits are the basis of a philosophical plan for culture". *Wisdom and philosophy*. 36. 46-27. [in Persian]
- Nabavian, Seyyed Mahmoud. (2011). "What is credibility according to Allameh Tabatabai". *Philosophical knowledge*. 34. 115-146. [in Persian]
- Nazarnejad, Narges. (2002). *The nature and types of definition*. Tabriz: Tabriz University, Islamic and Human Sciences Research Institute. [in Persian]
- Pourhasan, Qasem. (2012). "Social credits and its epistemic results; Rereading the view of Allameh Tabatabai". *Wisdom and philosophy*. 36. 70-47. [in Persian]
- Soroush, Abdul Karim. (2014). *Tafarj Sana: discourses on ethics, industry and human science* (2nd edition). Tehran: Sarat Cultural Institute. [in Persian]
- Sadr al-Din Shirazi, Muhammad bin Ibrahim. (n.d). *Al-Hikma al-Muttaaliyyah in Al-Asfar al-Uqliyyah al-Arba'ah*. Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (1992). *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office affiliated with Qom Seminary Teachers Society. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (2008). *Islamic studies*. Qom: Bostan Ketab. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (1984). *Treatise on science In the second memoir of Allameh Tabatabai*. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education, Institute of Cultural Studies and Research; Islamic Society of Wisdom and Philosophy of Iran. [in Persian]

- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (n.d). *Man and faith Edited by Ali al-Asadi and Sabah al-Rabi'i*. Print 2. Qom: Fadak Lahia al-Tarath School. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (n.d). *The beginning of wisdom*. Print 1. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute of Jama'ah al-Modaresin. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (n.d). *Hashiya al-Kafiya* (Vol. 1-2). Qom: Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (n.d). *Allama al-Tabataba'i's collection of letters*. Sabah al-Rabi'i research. Qom: Remains. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (n.d). *The end of wisdom*. Print 12. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute of Jama'ah al-Madrasin. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein; and Shirvani, Ali. (2008). *Translation and explanation of the final wisdom*. second edition. Qom: Bostan Ketab. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein; and Motahari, Morteza. (1985). *The principles of philosophy and the method of realism* (Vol. 1-5). second edition. Tehran: Sadra Publications. Retrieving from Noor digital library, Allameh Tabatabai works collection software. [in Persian]

استناد به این مقاله: کلباسی اشتری، حسین، کوشکی، مهدی. (۱۴۰۱). ادراکات اعتباری: سنجش تعاریف ارائه شده و عرضه تعریف بدیل، فصلنامه علمی حکمت و فلسفه، ۱۸(۶۹)، ۱۳۹-۱۶۸.  
DOI: 10.22054/WPH.2022.63401.2016



Hekmat va Falsafeh (Wisdom and Philosophy) is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.